



Relations between the Islamic Republic of Iran and Russia In the new international system (2010-2020)

Mohsen Farahbar¹

Mohsen Rostami²

Abstract

The relations between Iran and Russia have been complicated and ups and downs in different historical periods. With the end of the Cold War, the bipolar system also ended and the unilateralist behavior and policies of the United States of America began. With the occurrence of the Islamic Revolution, Iran started a foreign policy independent of the two power blocs of the East and the West. On the other hand, in the early years after the collapse of the Soviet Union, Russia put the policy of convergence with the West on the agenda, and this caused the relations between Tehran and Moscow to not have a good level. But the situation did not remain like this and the two countries pursued the expansion of relations in various economic, political and technical-military fields. The main research question is what are the main axes and fields in the regional and international relations and cooperation between Iran and Russia in the new era? In response to this question, the hypothesis raised is that Iran and Russia in the current era, on the one hand, enjoy high relations in the economic, military and nuclear fields, and on the other hand, this is not only at the level of the two countries' relations, and they also cooperate with each other in regional issues such as the Syrian crisis and cooperation in the field of ending the Tajik civil war, and in international dimensions such as the nuclear issue and the opposition of Russia and Iran to the unilateralism of the United States. Iran's location in a strategic region makes the relations of these two countries have wide regional and international dimensions in various issues; Because on the one hand Iran is a regional power and on the other hand Russia is an actor at the international level and the relations between these two countries can be analyzed at both levels. The research method of this research is descriptive-analytical based on data collection. Key words: Iran, Russia, new international system, nuclear program, Syria.

Key words: Iran, Russia, new international system, nuclear program, Syria.

¹Master of Diplomacy and International Organizations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran

Mohsen.farahbar@gmail.com

² Assistant professor and faculty member of the Department of Political Science, Higher Defense School, Tehran, Iran.

Mmahya1392@gamil.com



روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه

در نظام بین‌الملل نوین (۲۰۲۰-۲۰۱۰)

محسن فرح بر^۱ - محسن رستمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

چکیده

روابط ایران و روسیه در دوران مختلف تاریخی پیچیده و پرفراز و نشیب بوده است. با پایان جنگ سرد، نظام دو قطبی نیز به اتمام رسید و شروعی بر رفتار و سیاست‌های یک‌جانبه گرایانه ایالات متحده آمریکا شد. ایران نیز با وقوع انقلاب اسلامی سیاست خارجی مستقل از دو بلوک قدرت شرق و غرب را در پیش گرفت. از سویی دیگر روسیه در سال‌های ابتدایی بعد از فروپاشی شوروی سیاست همگرایی با غرب را در دستور کار قرار داد و همین باعث شد تا روابط تهران و مسکو از سطح خوبی برخوردار نباشد؛ اما شرایط این چنین باقی نماند و دو کشور گسترش روابط در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فنی-نظامی را پیگیری کردند. سوال اصلی پژوهش این است که محورها و زمینه‌های اصلی در روابط و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران روسیه در دوران جدید چیست؟ در پاسخ به این سوال فرضیه مطرح شده این می‌باشد که ایران و روسیه در دوران کنونی، از یک سو از روابط بالا در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و هسته‌ای برخوردار هستند و از طرف دیگر این تنها در سطح روابط دو کشور باقی نمانده است و در موضوعات منطقه‌ای مانند بحران سوریه و نیز همکاری در زمینه پایان دادن به جنگ داخلی تاجیکستان و در ابعاد بین‌المللی مانند موضوع هسته‌ای و مخالفت روسیه و ایران با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا نیز با یکدیگر همکاری دارند. قرار گرفتن ایران در یک منطقه

^۱ کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Mohsen.farahbar@gmail.com

^۲ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

استراتژیک باعث می‌گردد تا روابط این دو کشور در موضوعات مختلف از ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌ای برخوردار باشد؛ چون از یک طرف ایران قدرت منطقه‌ای و از طرف دیگر روسیه یک بازیگر در سطح بین‌المللی است و روابط این دو کشور در هر دو سطح قابل تحلیل است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر اساس گردآوری داده‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، نظام بین‌الملل نوین، برنامه هسته‌ای، سوریه.

مقدمه

روابط ایران و روسیه در دوران مختلف تاریخی پیچیده و پرفرازونشیب بوده است. در اواخر دوره شوروی و با شکل‌گیری انقلاب اسلامی روابط ایران و روسیه با تغییرات گسترده‌ای همراه بوده است. ایران از یک کشور متحد غرب، با وقوع انقلاب سیاست مستقلی را در پیش گرفت و در هیچ یک از بلوک شرق و غرب سیاست‌های آن تعریف نگردید. با پایان جنگ سرد، نظام دو قطبی نیز به اتمام رسید و شروعی شد بر رفتار و سیاست‌های یک‌جانبه گرایانه ایالات متحده آمریکا. ایران نیز با وقوع انقلاب اسلامی سیاست خارجی مستقل از دو بلوک قدرت شرق و غرب را سیاست خارجی خود در اولویت قرار داد. از سویی دیگر روسیه در سال‌های ابتدایی بعد از فروپاشی شوروی سیاست همگرایی با غرب را در دستور کار قرار داد و همین باعث شد تا روابط تهران و مسکو از سطح خوبی برخوردار نباشد؛ اما شرایط این چنین باقی نماند و دو کشور گسترش روابط در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فنی-نظامی را در روابط دو کشور پیگیری کردند. با پایان جنگ سرد شاید گفت که تنها آمریکا قدرت برتر جهانی بود اما با گذشت بیش از دو دهه از جنگ سرد باید در نظر داشت که ما با نظام بین‌المللی منسجم و شکل یافته‌ای روبه‌رو نیستیم. واقعیت آن است که نظام بین‌المللی در حال شدن است؛ بنابراین برای تحلیل رویکرد روسیه و ایران به نظام بین‌الملل نیازمند توجه به قطب‌بندی قدرت، نهادهای قدرت و روندهای قدرت در نظام بین‌الملل هستیم که همگی نشان می‌دهند روسیه و ایران، اشتراک‌ها و افتراق‌هایی وجود دارد. سوال اصلی پژوهش این می‌باشد محورها و زمینه‌های اصلی در روابط و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران روسیه در دوران جدید چیست؟ لذا ابتدا در پاسخ به پرسش مطرح شده، به مفهوم نظام بین‌الملل و بازیگران عمده آن بعد از جنگ سرد پرداخته می‌شود و در ادامه سیاست خارجی ایران و روسیه و همکاری‌های این دو کشور در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته خواهد

شد و بیان می‌گردد که با وجود تفاوت‌هایی که بین تهران و مسکو در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد، اما دو کشور توانستند با گسترش همکاری‌ها بسیاری از موضوعات منطقه‌ای (مانند سوریه و تاجیکستان) و بین‌المللی (برنامه هسته‌ای ایران) تا حدودی حل و فصل نمایند.

۱- چارچوب نظری

نظام بین‌الملل پیچیده است. ممکن است مانند پیکره‌ای از دولت‌هایی که با یکدیگر در تعامل هستند دیده شود؛ و یا ممکن است مانند یک تعامل اجتماعی سطح بزرگ‌تر بازیگران درگیر در سطوح گوناگون باشد: تصمیم‌گیرندگان فردی، بروکراسی و گروه‌های ذی‌نفوذ باشد. با توجه به اینکه انسان‌ها به صورت فردی و یا جمعی درگیر سیاست بین‌الملل هستند، تحلیل سطوح مختلف اجتماعی موردنیاز و توجه است، همان‌گونه که این عوامل در توضیح زندگی اجتماعی به طور کلی بسیار مهم می‌باشند. (1: Tamaki, 2015). والتز^۱ سه تصویر از نظام بین‌الملل دارد: تصویر اول: رفتار انسان (Waltz, 1959: Chapter 2)؛ تصویر دوم: ساختار داخلی دولت‌ها (ibid: Chapter 4) و تصویر سوم: آناشری بین‌المللی و یا موانع نظام بین‌الملل.. (ibid: Chapter 6)

نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد اساساً متأثر از سیاست‌ها، توازن قدرت و منافع دیکته شده دو ابر قدرت در دوران جنگ سرد بود. دولت‌های دیگر استقلال خود را با قرار گرفتن در یکی از بلوک (شرق و غرب) تعیین می‌کردند و منافع خود را در راستای منافع یکی از دو ابر قدرت تعریف می‌کردند. پایان جنگ سرد به پایان نظام دو قطبی را شکل داد و شروعی شد بر رفتار و سیاست‌های یک‌جانبه گرایانه ایالات متحده آمریکا اما با وقوع تحولات جدید در نظام بین‌الملل و به‌ویژه تغییر در قطب‌بندی جهانی قدرت، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و جایگاه نظم منطقه‌ای در شکل‌دهی به نظم جهانی اهمیت زیادی پیدا کرده است،

مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای و بررسی کارکرد، نقش و نفوذ آن‌ها بر ارکان شکل‌دهنده به نظم جهانی بسیار مهم گردید. پایان جنگ سرد، نظم جهانی، توزیع و نحوه اعمال قدرت در نظام بین‌الملل را تغییر داده است. با چندقطبی شدن نظم بین‌الملل، قدرت‌های منطقه‌ای مایل‌اند نقش تعیین‌کننده‌تری در مدیریت جهان به‌عهده بگیرند و در تنظیم سیاست‌های جهانی ایفای نقش کنند. پایان جنگ سرد و گذر از نظم دوقطبی به نظم چندقطبی، ظهور مناطق و افزایش توانمندی‌های قدرت‌های منطقه‌ای در مدیریت و ایجاد نظم در منطقه و ورود به ساختار تصمیم‌گیری‌های جهانی را به همراه داشته است. (Mousavi and Naghdi, 2016: 146)

از همین رو ایران و روسیه، ترکیبی از اشتراک و افتراق در نگرش به نظام

بین‌الملل را به نمایش می‌گذارند:

الف) قطب‌بندی قدرت در نظام بین‌الملل: ابتدا باید در نظر داشت که خواستگاه ایران و روسیه از زاویه قطب‌بندی قدرت با یکدیگر متفاوت است. روسیه قدرتی جهانی است و ایران قدرتی منطقه‌ای؛ اما این قدرت جهانی بودگی و آن قدرت منطقه بودگی، از لایه‌ها و پیچیدگی‌های گوناگون برخوردار است. روسیه از یکی از دو ابرقدرت بین‌المللی به قدرتی جهانی تبدیل شده است؛ اما این دگرذیسی چندان ساده نبوده و در دو دهه گذشته، روسیه در مسیر قدرت‌یابی جهانی، مسیر پرفرازونشیبی پیموده و به مرحله نسبتاً باثباتی در این جایگاه رسیده است. ایران از یک قدرت منطقه‌ای وابسته به غرب در قبل از انقلاب اسلامی به قدرت منطقه‌ای مستقل و مؤثری تبدیل شده است. مسیر قدرت‌یابی ایران به جایگاه کنونی، مخصوصاً ظرفیت تولید امنیت بومی و بدون اتکا به قدرت خارجی، بسیار پرکنش بوده است.

روسیه قدرتی جهانی است و ایران قدرتی منطقه‌ای؛ آن‌ها مخالف با نظام تک‌قطبی و تک‌محوری هستند. همچنین، دو کشور از اینکه فقط غرب بخواهد قدرت محوری و مرکز ثقل باشد، موضع مشترک داشته و با این گرایش مخالف‌اند.

متقابلاً هر دو کشور از گفتمانی حمایت می‌کنند که چندقطبی بودن در نظام بین‌الملل را ترویج می‌کند. پدیده دیگری که دو کشور را از نظر قطب‌بندی در نظام بین‌المللی به هم نزدیک می‌کند، لزوم توجه به اوراسیا به مثابه کانونی از مکان‌های اصلی قدرت در نظام در حال شکل‌گیری است.

ب) نهادهای قدرت در نظام بین‌الملل: واضح است که عضویت ایران و روسیه در نهادهای قدرت در نظام بین‌الملل با یکدیگر متفاوت است. روسیه در برخی از نهادهای کهن و به‌جامانده از گذشته مانند شورای امنیت سازمان ملل، عضویت دائم دارد؛ اما به نظر می‌رسد هر دو کشور در زمینه نهادهای قدرت با گرایشی که می‌خواهد با نگاهی انحصاری، نهادهای نوینی را شکل دهد، مخالف‌اند. تلاش غرب برای گسترش ناتو و جهانی کردن آن با محوریت برتری بازیگران غربی هیچ انطباقی با دیدگاه‌های ایران و روسیه ندارد. به‌طور کلی، جهانی‌سازی امنیت غرب محور و نهادهای مربوط به آن، موردعلاقه تهران و مسکو نیست. به نظر می‌رسد ایران و روسیه از ایجاد نهادهایی مانند شانگهای و بریکس خرسند بوده و آن‌ها را در تقابل تلاشی برای انحصار سازی نهادهای قدرت بین‌المللی توسط غرب می‌بیند.

ج) روندهای مؤثر در نظام بین‌الملل: ایران و روسیه به‌طور مشترک با روندهای خارج از چارچوب حقوق بین‌الملل برای تصمیم‌گیری در مسائل کلان و مهم مانند جنگ و صلح در نظام بین‌الملل ابراز مخالفت کرده‌اند. در این خصوص باید به آنچه در خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به بعد رخ داد را توجه نمود. روسیه هرچند که به قطعنامه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ شورای امنیت در مورد لیبی پیوست، ولی با تفسیری که کشورهای غربی از آن مفهوم ابداعی مسئولیت حمایت^۱ کردند، مخالفت کرد. تحولات سوریه و مخالفت ایران و روسیه، اشتراک آن‌ها در مورد نحوه تصمیم‌گیری در مسائل حاد و بنیادین بین‌المللی را به نمایش می‌گذارد. فراتر

1. Responsibility to protect

از اشتراک نظر، هر دو کشور محاسبه‌ای راهبردی دارند که نظام‌های سیاسی را نمی‌توان با تصمیم‌گیری‌های بیرونی، تغییر داد. خلاصه آنکه تحلیل رویکرد روسیه و ایران به نظام بین‌الملل نیازمند توجه به قطب‌بندی قدرت، نهادهای قدرت و روندهای قدرت در نظام بین‌الملل است که همگی نشان می‌دهد که بین روسیه و ایران، اشتراک‌ها و افتراق‌هایی وجود دارد. (Sajadpor, 2017: IRAS)

۲- سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به هنجارها و ساختارهای بین‌المللی در طول چند دهه گذشته، سیاست مبتنی بر قبول یا رد مطلق نبوده بلکه مشتمل بر مواضع و رویکردهایی تنظیم‌شده که در عین اینکه ساختار بین‌المللی و اغلب هنجارهای حاکم بر آن را فاقد مشروعیت می‌داند، برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی، بسیاری از آن‌ها را می‌پذیرد. جامعه ایرانی دارای هویتی متکثر با خواستگاه‌های متعدد در نظر گرفته می‌شود که برخی از عناصر هویت‌بخش آن در شرایط استبداد داخلی و نظام دو قطبی حاکم بر ایران قبل از انقلاب، در حاشیه قرار گرفته بودند؛ اما ملت ایران به‌مثابه یک حاصل هوشمند هویتی در واکنش به تحمیل فرهنگ و هویت‌سازی ناسازگار باشخصیت تاریخی خود، عناصر هویتی خود را در مقطع انقلاب به کار گرفت و ظهور متفاوتی از سیاست خارجی را به نمایش گذاشت. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی، جوهره سیاست خارجی ایران نیز تغییر یافت. از این‌رو، ظهور انقلاب اسلامی را باید در ردیف یکی از مصادیقی برشمرد که امکان خروج از ساختار مسلط روابط بین‌الملل را تصدیق کرد و قانون‌مندی ساختار مادی آن را که معتقد به حقانیت ظهور و قدرت بود باطل نمود. (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۹-۱۰)

۳- سیاست خارجی فدراسیون روسیه

برای تبیین مسئله اجماع در سیاست خارجی روسیه ابتدا باید به تبیین گفتمان‌های موجود در سیاست خارجی روسیه پرداخت. به طور کلی از زمان

فروپاشی شوروی سه گفتمان آتلانتیک‌گرایان، اوراسیاگرایان و ملی‌گرایان بر سیاست خارجی روسیه حاکم بوده است. در ابتدای فروپاشی شوروی، آتلانتیک‌گرایان بر سیاست خارجی حاکم بودند که کوزیروف را می‌توان به عنوان سمبل آن معرفی کرد. پریماکوف و دوگین را نیز می‌توان سمبل اوراسیایی‌گرایی دانست. ملی‌گرایان نیز همواره در میان آتلانتیک‌گرایان و اوراسیاگرایان در نوسان بوده‌اند و البته در دوره پوتین تا حدودی به اوراسیاگرایان که گفتمان حاکم است، نزدیک شده‌اند. ژیرونفسکی؛ مهم‌ترین شخصیت این دیدگاه است. با وجود این در سیاست خارجی روسیه، نقش متغیر فردی پوتین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. پوتین بر تاکید بر اهمیت اصل تمرکز قدرت در تعامل با کنشگران مختلف نهادی و مدنی و به‌طور کلی نخبگان و جریان‌ها، بیشتر نقش مشورتی برای آنها قائل است و کمتر برای آنها نقش تصمیم‌سازی قائل است. به همین دلیل می‌توان گفت، در سیاست خارجی روسیه تا حدودی اجماع دستوری تابع دیدگاه‌های فردی پوتین حاکم است.

۳-۱- سازگاری در سیاست خارجی روسیه: بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در دوره ریاست جمهوری یلتسین، روسیه رویکردهای مختلفی را در عرصه بین‌الملل دنبال کرده است. در دوره ریاست جمهوری یلتسین، روسیه به دنبال همگرایی و ادغام با غرب بود. در فوریه ۱۹۹۲، یلتسین بر تقویت جایگاه جدید روسیه در جامعه بین‌المللی متمدن و تامین کمک غرب برای اصلاحات اقتصادی به عنوان دو اصل سیاست خارجی تاکید کرد. او کمک‌های اقتصادی به رژیم چپ‌گرای افغانستان را قطع کرد و به نیروهای نظامی روسیه در کوبا دستور داد که از این کشور خارج شوند. روسیه متعهد به اجرای اصلاحات اقتصادی شد و توانست عضویت صندوق بین‌المللی پول را به دست آورد. معاهده استارت ۲ را امضا کرد و سطح تسلیحات استراتژیک روسیه را کاهش داد. آندره کوزیروف، وزیر خارجه وقت حتی معتقد بود که دوستی با کشورهای ثروتمند و دمکراتیک از

هم‌آغوشی برادرانه با رژیم‌های فقیر و استبدادی بهتر است. اقدامات و مواضعی که به شدت با انتقادهای داخلی در روسیه مواجه شد؛ اما این سیاست در دوره وزارت خارجه پریماکف تغییر کرد. مجموعه دیدگاه‌های او در قالب دکترین پریماکف حاکی از این است که از نظر وی، روسیه نباید صرفاً بر ارزش‌های غربی توجه کند، زیرا دارای موقعیتی منحصر به فرد بر حسب شرایط ژئوپلیتیک و تاریخی است که ریشه در اروپا و آسیا دارد. از این زمان دیدگاه اوراسیاگرایان در سیاست خارجی روسیه حاکم شد. در حقیقت جایگزینی پریماکف به جای کوزیروف، نماد توجه به خاورمیانه تلقی می‌شود. از دیدگاه پریماکف، روسیه از ابزارهای خود در مقابل آمریکا و اروپا به‌خوبی استفاده نکرد و باید از طریق توسعه روابط با کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران به نفع خود بهره برده و از آن به عنوان فرصت بهتر در مذاکره و چانه‌زنی با غرب به‌ویژه آمریکا فراهم آورد.

در دوره ریاست جمهوری پوتین، مواضع روسیه از نزدیکی بسیار زیاد با غرب تا تضاد کامل با غرب در نوسان بود. نزدیکی روسیه با غرب در دو مساله مقابله با تندروهای اسلامی چه در چین و چه در خارج از این کشور و به طور کلی مقابله با تروریسم بسیار نزدیک می‌شود؛ اما این سیاست‌ها در قبال ایران و سوریه، همچنین مسائل مرتبط با اوکراین و شرق اروپا با تضاد کامل با غرب است. در واقع، دوره پوتین را می‌توان دوران تلاش این کشور برای بازتعریف هویت و جایگاه روسیه در عرصه بین‌المللی دانست.

پس از بهبود نسبی شرایط اقتصادی و سیاسی در روسیه، پوتین در دور دوم ریاست جمهوری خود این فرصت را یافت که بازسازی اقتدار روسیه در خارج از کشور و در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهد. روسیه به ویژه از دور دوم ریاست جمهوری پوتین تلاش نمود تا با استفاده از اهرم‌های مختلف از جمله اهرم انرژی، ضمن بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی، موقعیت این کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌المللی تقویت نماید.

در واقع انرژی متغیر اصلی تعیین‌کننده تغییر موقعیت روسیه از یک ابرقدرت توسعه‌نیافته به بازیگر هژمون دست کم در حوزه سیاست‌گذاری جهانی انرژی است. پوتین در سیاست خارجی خود تلاش می‌کند تا مفهوم چندجانبه‌گرایی را به‌جای چندقطبی در ادبیات راهبردی بین‌المللی تقویت کند؛ زیرا در یک فضای چندجانبه‌گرا فرصت برای نقش‌آفرینی روسیه بیش از گذشته فراهم می‌شود. افزایش نقش روسیه در روند حل مسائل بین‌المللی، تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه از غرب به سوی شرق، عبور از مفهوم دشمن در سیاست امنیتی و خارجی و استفاده از مفاهیم رقابت و همکاری در برابر غرب، کنار گذاشتن مفهوم نظام تک‌قطبی و اصالت دادن به چندجانبه‌گرایی بین‌المللی و مشارکت فعال روسیه در چهارچوب نظم نوین جهانی و جلوگیری از الگوهای رفتاری یک‌جانبه‌گرا از اولویت‌های جدید پوتین در سیاست خارجی روسیه بوده است.

حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب در حوزه‌های نفوذ روسیه از نگرانی‌های امنیت ملی کرملین پس از فروپاشی شوروی بوده است. در این بین گسترش ناتو و بحث استقرار سپر موشکی در شرق اروپا مهم‌ترین دغدغه روسیه است. فعالیت روسیه در سوریه نشان داد ائتلاف روسیه، ایران و عراق بهتر در سوریه از ائتلاف غربی موفق‌تر عمل می‌کند. لذا روسیه به عنوان قدرت موثر در مهار بحران‌های بین‌المللی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. روسیه با مداخله در سوریه موقعیت خود را به عنوان قدرت بزرگ در روابط بین‌المللی تحکیم بخشیده و ثابت کرده که هیچ راه‌حلی برای بحران‌های بزرگ در پیرامون روسیه بدون حضور این کشور وجود ندارد. (صادقی، همان: ۹۹-۱۰۱)

۴- ایران و روسیه در نظام بین‌الملل نوین

همانطور که حوادث ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت، نگاه شوروی به انقلاب و نظام جدید ایران تغییر کرد. نگرانی و شک و تردید در مورد امکان تغییر نظام در سال ۱۹۷۸ به ترس از این که ایالات متحده ممکن است برای

جلوگیری از فروپاشی نظام پادشاهی تصمیم بگیرد، جای گرفت. در حالی که این نگرانی‌ها ادامه داشت، ولی با وقوع انقلاب در سال ۱۹۷۹ رهبران شوروی و متخصصان امید داشتند که احزاب چپ بخصوص حزب توده بتوانند ابتکار عمل را به دست گیرند. هرچند این‌گونه اتفاق روی نداد، اما شوروی از انقلاب ایران حتی در اوایل حمله به افغانستان نیز حمایت کرد، ولی این اقدام منجر به افزایش نگاه ضد شوروی در جامعه ایران و رهبران آن گردید. با شکست کامل حزب توده در ایران و کنار گذاشتن آن‌ها از سیاست باعث شد تا روابط ایران و شوروی سرد گردید. (Asinovsky, 2018, 202)

با شروع انقلاب ایران، سیاست عدم وابستگی به بلوک‌های قدرت در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت و با آغاز جنگ ایران و عراق، از آنجایی که صدام حمایت بلوک شرق و غرب را برای تجاوز به ایران داشت، روابط مسکو و تهران به سردی گرایید؛ اما از اواسط دهه ۸۰ و با توجه به پایین آمدن قیمت نفت، قدم‌های اولیه برای گسترش این روابط برداشته شد و ایران گاز را به شوروی صادر کرد. در سال ۱۹۸۷ ایران و شوروی کمیسیون همکاری اقتصادی را تشکیل دادند. (Daniel Moore, 2012:20-23)

بعد از فروپاشی شوروی، ایران نزدیک‌ترین هم‌پیمان روسیه در خاورمیانه است. روسیه رآکتورهای هسته‌ای را به ایران انتقال داد و از نظر نظامی نیز تسلیحاتی را به ایران فروخت و همچنین از ایران در برابر فشارهای آمریکا برای منزوی کردن ایران، در دوره‌هایی نیز حمایت کرد. دو کشور نیز اتحاد دیپلماتیک علیه طالبان در افغانستان، تلاش برای حفظ صلح در تاجیکستان و پایان درگیری آذربایجان و ارمنستان در درگیری قره‌باغ داشتند. در دوره وزارت خارجه کوزیرف^۱ روابط ایران و روسیه به سرعت توسعه یافت. نه به دلیل فروش تسلیحاتی روسیه بلکه به دلیل تجهیزات هسته‌ای و دیگر تجهیزات به ایران بود. علی‌رغم

1. Kozyrev

مخالفت آمریکا، در سال ۱۹۹۷ گازپروم^۱ به همراه شرکت فرانسوی توتال^۲ قراردادی را برای توسعه منطقه پارس جنوبی به امضا رساند. روسیه و ایران دریافتند که می‌توانند متحدانی خوبی در بسیاری از موضوعات خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی باشند. در مورد جنگ اول چچن باوجود اینکه بسیاری از مبارزان از آرمان‌های اسلامی استفاده می‌کردند ایران از روسیه حمایت کرد و درزمینه بحران تاجیکستان نیز با روسیه برای پایان بحران همکاری کرد. افغانستان جایی بود که روسیه و ایران باهم علیه طالبان قدم برمی‌داشتند. در رابطه با ناتو و گسترش به شرق، نزدیکی ایران و روسیه می‌توانست برای توازن_بخصوص زمانی که ترکیه به عضویت ناتو در آمد و باعث ترس روسیه از نفوذ بیشتر ناتو در قفقاز شد_ بسیار موثر بود.

در دوره نخست‌وزیر پریماکف^۳ روابط ایران و روسیه دچار تحول شد. در سال ۱۹۹۶ ایگو رودیانف^۴ وزیر دفاع روسیه ایران را مهم‌ترین تهدید نظامی برای روسیه دانست. از سویی هم به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی ایران، نمی‌توانست مبالغ خرید تجهیزات و سلاح‌های نظامی از روسیه را بپردازد. مهم‌تر از همه اینکه روسیه با فروش موشک به ایران اعتراض آمریکا (اسرائیل) را به همراه داشت و در اواخر سال ۱۹۹۷ روسیه دیپلمات‌های ایرانی را به بهانه تلاش برای قاچاق تکنولوژی هسته‌ای را اخراج کرد و در ژانویه ۱۹۹۸ قول داد که از فروش تجهیزات استفاده دوگانه^۵ به تهران خودداری نماید. موضوع دیگر اینکه ایران از سال ۱۹۹۵ در تلا بود تا از مسیر جداگانه‌ای بتوان خط انتقال انرژی به آسیای مرکزی ایجاد نماید که این منجر به اختلاف شدید با روسیه انجامید که در تلاش بود تا بتواند کنترل خطوط انتقال انرژی به آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان و

1. Gasprom

2. the French company Total

3. Yevgeny Primakov

4. Igor Rodionov

5. "dual use" equipment

قزاقستان را در اختیار داشته باشد. ایران به عنوان یک جایگزین برای انتقال انرژی برای روسیه می‌توانست در دست‌آفرین باشد؛ از طرف دیگر مشکل این بود که آمریکا از هرگونه سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و دولت‌های خارجی در بخش نفت و گاز ایران ممانعت به عمل می‌آورد. حتی در دوران اصلاحات که رویکرد تعامل بیشتر با غرب در دستور کار سیاست خارجی ایران بود، دولت کلینتون روسیه، فرانسه و مالزی را به دلیل انجام سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران تهدید به تحریم کرد. در تابستان ۹۸ ایران با موفقیت موشک را تست کرد و این باعث شد تا آمریکا شرکت‌هایی روسی را که امکانات چنین کاری را برای ایران فراهم کردند، تحریم کند. یوگنی آدمف^۱ وزیر انرژی هسته‌ای روسیه در نوامبر ۱۹۹۸ به تهران سفر کرد و با امضا موافقت‌نامه‌ای به ایران قول داد که راکتور هسته‌ای بوشهر را با تجهیزات روسی راه‌اندازی نماید. روابط ایران روسیه در زمینه انرژی هسته‌ای نیز ادامه داشت که در بخش روابط دو کشور در زمینه انرژی به آن پرداخته خواهد شد.

در یک نگاه کلی سیاست خارجی روسیه در قبال ایران را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد. دسته اول بر اساس ملاحظات ژئوپلیتیک مهم می‌باشند و بعد مهم دیگر انتظارات اقتصادی است که باید به آن توجه نمود. ملاحظات ژئوپلیتیک مبتنی است بر رئالیسم است که در نبود یک هژمون بین‌الملل برای تنظیم روابط کشورهای در عرضه جهانی، کشورهای برای تضمین اهداف ملی خود باید به خودشان متکی باشند. اگرچه، طیف گسترده‌ای از اهداف توسط یک دولت می‌تواند دنبال شود، منافع در امنیت ملی همیشه در اولویت است. با توجه به کمبود دائمی این منابع، کشورها خود را در رقابت دائمی برای قدرت و نفوذ در برابر دیگر دولت‌ها قرار می‌دهند تا شانس خود را برای بقا به حداکثر برسانند. به این ترتیب، منافع دولت‌ها متقابلاً با یکدیگر ناسازگار هستند. تفاوت در رفتار دولت‌ها،

1. Yevgeny Adamov

اختلاف در موقعیت قدرت نسبی آن‌ها را تعیین می‌کند که از طریق دسترسی به منابع و تعداد قطب‌های قدرت که از طریق رقابت برای نفوذ در سیستم بین‌المللی، تعیین می‌شود. در این مفهوم، سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران با روابط روسیه با کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده که هژمونی جهانی است، شکل گرفته است. با حمایت از ایران، روسیه تلاش کرده است تا برای گسترش نفوذ آمریکا ممانعت ایجاد کرده و خود را در خاورمیانه تقویت کند.

بعد مهم دیگر روابط ایران روسیه که باید در نظر داشت ملاحظات اقتصادی می‌باشد. این دیدگاه بر این فرض است که رفتار هدفمند و سودمندی حداکثری یک بازیگر منطقی که اقدام به انجام آن می‌کند، نباید هزینه‌های مورد انتظار اعمال آن از مزایای مربوط به عمل فراتر رود. در این مفهوم، مخالفت روسیه با اعمال تحریم علیه ایران می‌تواند به وسیله‌ی ابزار بزرگ‌تری که مسکو انتظار دارد از همکاری با تهران در مقایسه با هزینه‌های مخالفت و عدم پذیرش غرب از اقدامات روسیه، توضیح داده شود. مادامی که روسیه بتواند از مزایای اقتصادی قابل توجهی بهره‌برد همکاری با ایران و این مزایا بیش از هزینه‌های عدم همکاری با غرب، از جمله تحریم‌های احتمالی در شرکت‌های روسی درگیر در ایران و از دست دادن فرصت‌های همکاری با کسب‌وکار و سازمان‌های غربی، انتظار می‌رود که دولت روسیه با تحریم‌های ایران مخالفت کند. (7: 2012, omelchiva)

۴-۱- برنامه هسته‌ای ایران و روابط ایران و روسیه:

مسئله هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست بین‌الملل معاصر است. آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان با ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران بحث‌های فشرده و طولانی را انجام دادند. روسیه و آمریکا به‌تنهایی نتوانستند موضوع هسته‌ای ایران را حل کرده و راهی برای آن بین خود پیدا کنند. دولت‌های آمریکا ایران را متهم می‌کردند که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است و از تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی علیه ایران حمایت می‌کردند تا تهران را وادار

کند از برنامه هسته‌ای خود چشم‌پوشی کند. روسیه بعد از مقطعی مخالف اعمال زور و تحریم برای حل این موضوع بود و بیان داشت که ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است (Omeliicheva, 2012, 331)؛ اما موضوع مهم مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی با هر گونه همکاری ایران و روسیه در رابطه با موضوع هسته‌ای بود و ایران را به داشتن اهداف نظامی در این رابطه متهم می‌کردند؛ اما همکاری ایران و روسیه برای اهداف صلح‌آمیز از سال ۲۰۰۵ وقتی که آمریکا در نهایت به آن رضایت داد و تحریم‌های بین‌المللی در رابطه با بوشهر در سال ۲۰۰۶ برداشته شد، شروع شد. (Paulraj, 2016, 98).

در دوره سیاست خارجی مدودیف، دولت روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد به شش قطعنامه تحریمی علیه ایران رأی مثبت داد. در دوره پوتین با کاهش روابط روسیه با غرب و بازسازی روابط با ایران شرایط مناسبی برای ارتقاء روابط فراهم شد. در این زمان روسیه در بحث هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند که قطعنامه جدیدی علیه ایران تصویب نشود. از سوی دیگر، شرایطی فراهم شود که روسیه روابط خود را با ایران ادامه و گسترش دهد. روسیه به طور مرتب بر حل‌وفصل موضوع هسته‌ای از طریق مسالمت‌آمیز تاکید می‌کند. این کشور سعی دارد از تشدید فشارهای بیشتر به ایران جلوگیری کند و همچنین از طریق طرح‌های ابتکاری از جمله طرح گام به گام بتواند نقش میانجی‌گرانه در موضوع هسته‌ای داشته باشد. در واقع تا پیش از توافق هسته‌ای، روابط روسیه و ایران در موضوع هسته‌ای در قالب سه مفهوم که از مفاهیم اصلی حاکم بر سیاست خارجی روسیه نسبت به پرونده هسته‌ای است پیروی می‌کند: جلوگیری از تشدید اوضاع؛ حل‌وفصل موضوع در چارچوب گفت و گو و مذاکره؛ میانجیگری از طریق طرح گام به گام.

روسیه برخلاف غرب معتقد است که جلوگیری از دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای نباید عاملی برای گسترش قلمرو استراتژیک غرب برای مداخله در امور داخلی

کشورها و نقض حاکمیت ملی در سطح جهانی باشد. روس‌ها طبیعا به دنبال انحصار هسته‌ای و حفظ انحصار هسته‌ای خودشان با کشورهای قدرتمند جهان، یعنی اعضای دائم شورای امنیت، هستند و برای روسها حفظ آن پی‌تی و مقررات بین‌المللی در چارچوب این معاهده بین‌المللی، یک اصل اساسی است. نکته دیگر، نگرانی‌های امنیتی نسبت به گسترش هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی است. لذا در خصوص جمهوری اسلامی ایران به طور خاص روس‌ها، اولاً به صورت قاطع مخالف هسته‌ای شدن ایران در بعد نظامی این فناوری هستند ولی در عین حال بر استفاده از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز تأکید دارند. در همین راستا، طرح‌هایی را برای این موضوع ارائه کردند که عبارت هستند از؛ طرح انتقال ذخایر ایران، طرح گام به گام و مشارکت آن‌ها در نشست‌های ۱+۵ برای حل و فصل مسائل هسته‌ای. در همین چارچوب، نیروگاه بوشهر به‌رغم تأخیرهای مختلف در نهایت راه‌اندازی شد. موضوع همکاری روس‌ها با غرب و رأی مثبت آن‌ها به ۶ قطعنامه در سال‌های گذشته نیز مطرح است در عین حال روس‌ها مخالف اقدام نظامی علیه ایران به بهانه پرونده هسته‌ای بوده‌اند. (کرمی و کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۷۵) یعنی در ژانویه ۲۰۰۶ ایران اعلام کرد که توسعه و تحقیق سانترفیوژهای نظنز^۱ را از سر خواهد گرفت. هیئت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پاسخ، قطعنامه‌ای را تصویب کرد و در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۶، این موضوع را به شورای امنیت ارجاع داد و خواستار آن شد که ایران اقداماتی را که در قطعنامه سپتامبر صادر شده است، اتخاذ کند. دو روز بعد، تهران اعلام کرد که اجرای پروتکل الحاقی را متوقف خواهد کرد. در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۶، رئیس شورای امنیت سازمان ملل، بیانیه‌ای صادر کرد که از نظر قانونی اجباری نبود، از ایران خواست تا "اقدامات موردنیاز"^۲ را از طریق قطعنامه فوریه هیات آژانس انجام دهد. شورا پس از آن شش قطعنامه در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران را تصویب کرد: ۱۶۹۶ (ژوئیه ۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (دسامبر ۲۰۰۶)، ۱۷۴۷

1. centrifuges at Natanz

2. take the steps required

(مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰). قطعنامه‌های دوم، سوم، چهارم و ششم، تعدادی از محدودیت‌هایی را بر ایران اعمال کرد. قطعنامه ۱۹۲۹ ایران را از "فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای" که مطابق با اصلاحیه کد ۳،۱ موافقت‌نامه فرعی آن است ممنوع کرده بود و بر اساس همین قطعنامه بود که تحریم ۲‌های سختی علیه ایران اعمال شده بود که روسیه نیز آن را شورای امنیت به تصویب رسانده بود. قطعنامه ۲۲۳۱ که شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ تصویب کرد، بیان می‌دارد که تمام الزامات قطعنامه‌های قبلی، هنگامی که شورا گزارش را از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دریافت کرد که ایران اقدامات مرتبط هسته‌ای را در روز اجرا انجام داده است، در سال ۲۰۱۵ برنامه جامع اقدام مشترک نامید.^۱ همان‌گونه که بیان شد، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ روز اجرا در نظر گرفته شد. JCPOA فرایندی را برای ایران یا P5 + 1 برای حل و فصل اختلافات در مورد ادعاهای نقض تعهدات JCPOA در نظر گرفته بود. (Congressional Research Service, 2019: 9-12)

۴-۲- همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه

در رابطه با جنگ داخلی سوریه، ایران به همراه روسیه حمایت مالی و نظامی از دولت سوریه در برابر گروه‌های تروریستی مسلح که از حمایت دولت‌های پادشاهی حوزه خلیج فارس و دولت‌های غربی برخوردار بودند، انجام داد. بعد از سال‌ها ادامه درگیری‌ها و فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور، تهران و مسکو توانستند آن‌ها را شکست داده و به موفقیت دیپلماتیک برسند. با این حال لازم به ذکر است که بعد از حضور نظامی روسیه در اکتبر ۲۰۱۵ باعث شد تا عربستان خواستار کاهش تلفات در سوریه شد و روابط خود با روسیه را از سر گرفت؛ و این منجر به دیدار بن سلمان پادشاه عربستان از مسکو در اکتبر ۲۰۱۷

گردید تا روسیه و عربستان در زمینه انرژی بایکدیگر همکاری کرده و زمینه را برای سرمایه‌گذاری روسیه در این کشور به وجود آورد. (Therme, 2018: 554). تلاش پوتین در سوریه با این هدف است که بتواند روسیه را در بین قدرت‌های بزرگ نگاه‌داشته باشد و در رابطه با سیاست‌های داخلی نیز بتواند هماهنگی به وجود آورد. برای این هدف، روسیه بر مخالفت هرگونه تغییر رژیم در دمشق و نقش غالب مسکو در تصمیم‌گیری آینده سوریه متمرکز شد. روسیه خواستار در دست گرفتن کنترل آینده دمشق و دسترسی به دو منطقه بندری در سوریه و منافع گسترده‌تر این کشور در خاورمیانه است. از سوی دیگر ایران نیز در تلاش است تا با حمایت از حکومت بشار اسد بتواند پایگاه‌های خود در این کشور را که در نزدیکی حزب‌الله لبنان است حفظ کند که این تلاش از سوی رژیم صهیونیستی تهدید برای امنیت آن تلقی می‌شود.

مسکو در رابطه با تنظیم روابط با تهران بسیار محتاط بود، همان‌گونه که تهران نیز در این رابطه همین رویکرد را دارد. هر دو طرف بر گسترش همکاری تاکید کرده و از موضوعات اختلافی هم‌زمان نیز اجتناب می‌کنند. در شروع دهه که با حوادث کشورهای عربی همراه بوده است، روسیه از یک طرف نگران نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه بود. وزیر امور خارجه پیشین روسیه تاسف خود را از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بیان داشت. او معتقد بود که این باعث از بین رفتن توازن در منطقه می‌گردد که تا حدودی بعد از پایان جنگ ایران و عراق از سال ۱۹۸۰-۱۹۸۸ به وجود آمده بود. با سقوط حکومت عراق و آشکار شدن برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ و پیروزی حزب‌الله لبنان که از حمایت ایران برخوردار بود در جنگ سال ۲۰۰۶ بر اسرائیل، همه اینها باعث شده بود تا مسکو از افزایش قدرت ایران در منطقه احساس نگران کند؛ اما در اواسط همین دهه و با خیزش‌های کشورهای عربی که منجر به افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی در القاعده، دولت اسلامی و جبهه النصره در عراق و سوریه گردید، روسیه نگاه جدیدی به

ایران پیدا کرد. علی‌رغم شک و تردی روسیه در رابطه با ایران، مقامات مسکو ایران را یک مانع طبیعی^۱ در برابر گسترش گروه‌های افراطی سنی به شمال روسیه و کشورهای حوزه شوروی سابق قلمداد کرد. در عین حال روسیه با امید گسترش نفوذ به جنوب و خاورمیانه تمایل نداشت ایران به عنوان یک مانع برای گسترش روابط کرملین با کشورهای خاورمیانه گردد. (Parker, 2018: 15-19). نوع همکاری ایران و روسیه در موضوع سوریه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به نظم آینده منطقه‌ای در حوزه خاورمیانه ایفا کند. مسئله سوریه برای نخستین بار ایران و روسیه را در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک جبهه قرار داد. برای روسیه از آغاز مداخله نظامی ابزاری در جهت رسیدن به اهداف سیاسی و دیپلماتیک بود. به همین دلیل به محض فراهم شدن شرایط، روس‌ها طرح‌های متعددی برای حل‌وفصل دیپلماتیک بحران ارائه کرده‌اند. روسیه در این زمینه تاکنون موفق شده است دو گام بسیار مهم بردارد: اول، آغاز گفتگوهای مستقیم میان تمامی طرف‌های درگیر و دوم، برقراری آتش‌بس سراسری میان طرف‌های مذاکره‌کننده. چنانچه روسیه بتواند چه از طریق نظامی و چه از طریق دیپلماتیک موفق به مدیریت این بحران شود، هم موقعیت خود را در سطح بین‌المللی تا حدود زیادی بهبود خواهد بخشید و هم به یک بازیگر تعیین‌کننده در منطقه تبدیل خواهد شد.

۴-۳- مخالفت ایران و روسیه با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

با سقوط اتحاد جماهیر شوروی یک خلا ژئوپلیتیک به وجود آمد و ظهور پانزده جمهوری دیگر نتیجه این فروپاشی بودند که چهار کشور آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان از این بین کشورهای مسلمان هستند. بسیاری از این کشورها دسترسی به دریا ندارد و بسته می‌باشند و لذا تلاش دارند تا از طریق ایران و یا روسیه جایگزینی برای دسترسی به دریا داشته باشند. این باعث می‌شود تا در

1. natural barrier

سیاست خارجی روسیه، ایران از اهمیت زیادی برخوردار گردد. ایران و روسیه حضور ایالات متحده آمریکا در کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و دریای خزر را به عنوان مانع برای تامین منافع منطقه‌ای و هژمونی آمریکا در منابع انرژی و رژیم‌های سیاسی می‌دانند. حوادث ۱۱ سپتامبر ابعاد تازه‌ای از نگرانی‌ها را به وجود آورده بود. هر چند روسیه حمایت استراتژیک خود را از تئوری آمریکایی جنگ علیه ترور^۱ انجام داد، اما در بسیار از جهات در مورد حضور بلند مدت آمریکا در منطقه تردید داشت. ایران نیز وقتی از سوی آمریکا به همراه کره شمالی و عراق به عنوان محور شرارت^۲ خوانده شد روسیه از این ایده آمریکا حمایت نکرد. ایران اعلام کرده بود که هدف آمریکا از این حمله نظامی آماده کردن مقدمات برای گسترش بیشتر در آسیای مرکزی و قفقاز و فشار بیشتر بر ایران است. تهران و مسکو از حضور استراتژیک آمریکا در آسیای مرکزی و تاسیس پایگاه آن برای دوره نامحدود نگران بودند.

۴-۴- کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر

ایران و روسیه در مورد دریای خزر نیز با یکدیگر همکاری داشتند؛ که در نهایت ۵ کشور ساحلی دریای خزر توانستند در ۲۱ مردادماه ۱۳۹۷ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر را در اجلاس سران در آکتائو قزاقستان به امضا برسانند. ایران با تقسیم خزر از سوی روسیه و قزاقستان در جولای ۱۹۹۸ مخالف بود. تلاش آمریکا برای توسعه خطوط لوله باکو جیهان و ترانس کاسپین روسیه و ایران را به یکدیگر نزدیک تر کرد. هر دو کشور از همکاری نزدیک آذربایجان و گرجستان با ناتو نگران شدند. در کنفرانس OSCE ایران و روسیه در یک بیانیه‌ای اراده خود را برای ساختن خط لوله ترانس کاسپین^۳ در ۱۸ نوامبر ۹۹ اعلام کردند. روسیه امید

1. war on terror

2. axis of evil

3. TransCaspian

داشت بتواند از طریق جریان آبی^۱ بتواند سهم اصلی در صادرات گاز به ترکیه داشته باشد. ایران خواستار این بود که نفت و گاز طبیعی از خاک این کشور به بازارهای خارجی صادر گردد نه از طریق آذربایجان، گرجستان و ترکیه. از طرف دیگر گسترش روابط آذربایجان و آمریکا در زمینه گسترش خط لوله می‌توانست به گسترش روابط در دیگر ابعاد اقتصادی و نظامی نیز گسترش یابد؛ اما راهبرد روسیه و ایران در زمینه انتقال انرژی متفاوت بود. روسیه خواستار انتقال انرژی از طریق خطوط لوله و از خاک کشور خود بود اما ایران در نظر داشت تا بتواند با سرمایه‌گذاری شرکت‌های دیگر بتواند خطوط انتقال انرژی از ایران که هم ارزان‌تر و امن‌تر بود، انجام گیرد (Freedman, 2001: 69) در این کنوانسیون اصول مهمی همچون: «تصریح بر ممنوعیت حضور نیروهای مسلح بیگانه»، «انحصار هرگونه دریانوردی صرفاً با پرچم ۵ کشور ساحلی»، «ممنوعیت در اختیار قراردادن قلمرو کشورهای ساحلی به بیگانگان برای اقدام و تجاوز علیه دیگر کشور ساحلی» قیدشده‌اند. در متن کنوانسیون نیز اشاره دارد به: اعضای این کنوانسیون، با استناد به اصول و موازین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، با در نظر گرفتن فضای همکاری، حسن همجواری و تفاهم متقابل بین طرف‌ها، با پیروی از تمایل به تعمیق و گسترش روابط، با تاکید بر اینکه حل مسائل مربوط به دریای خزر در صلاحیت انحصاری طرف‌هاست، با شناسایی اهمیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دریای خزر، با آگاهی از مسئولیت خود در قبال نسل حاضر و نسل‌های آینده برای حفظ دریای خزر و توسعه پایدار منطقه، متقاعد از اینکه این کنوانسیون توسعه و تقویت همکاری بین طرف‌ها را تسهیل خواهد کرد و استفاده از دریای خزر برای اهداف صلح جویانه و مدیریت بخردانه منابع آن و نیز اکتشاف، حمایت و حفاظت از محیط‌زیست آن را ارتقاء می‌دهد. در ماده ۲ حاکمیت، حقوق حاکمه و انحصاری و همچنین صلاحیت خود را در دریای خزر اعمال خواهند کرد؛

1. Blue Stream

کنوانسیون حقوق و تعهدات طرف‌ها در مورد استفاده از دریای خزر شامل آب‌ها، بستر، زیر بستر، منابع طبیعی آن و فضای هوایی بر فراز دریا را تعیین و تنظیم می‌کند. در ماده ۳ طرف‌ها فعالیت‌های خود را در دریای خزر طبق اصول زیر انجام خواهند داد: احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال و برابری حاکمیت دولت‌ها، عدم توسل به زور یا تهدید به زور، احترام متقابل، همکاری و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر؛ استفاده از دریای خزر برای مقاصد صلح‌آمیز، تبدیل آن به منطقه صلح، حسن همجواری، دوستی و همکاری و حل کلیه مسائل مرتبط با دریای خزر از طرق مسالمت‌آمیز؛ تضمین امنیت و ثبات در منطقه دریای خزر؛ تضمین موازنه پایدار تسلیحات طرف‌ها در دریای خزر، توسعه توانایی‌های نظامی در حدود کفاف معقول با توجه به منافع همه طرف‌ها، عدم حضور نیروهای مسلحی که به طرف‌ها تعلق ندارند در دریای خزر؛ در اختیار قرار ندادن قلمرو خود توسط هریک از طرف‌ها به سایر دولت‌ها برای ارتکاب تجاوز و انجام سایر اقدامات نظامی علیه هر طرف؛ حق دسترسی آزاد از دریای خزر به سایر دریاها و اقیانوس جهانی و بالعکس، بر اساس اصول و موازین عموماً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل و توافقات بین طرف‌های ذی‌ربط. در ماده ۵ منطقه آبی دریای خزر به آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، مناطق ماهیگیری و پهنه دریایی مشترک تقسیم می‌شود. در ماده ۶ حاکمیت هر طرف در خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی آن بر باریکه‌ای از دریای مجاور که آب‌های سرزمینی نامیده می‌شود و همچنین بر بستر و زیر بستر آن و نیز بر فضای هوایی آن تسری می‌یابد. در ماده ۷ هر طرف باید عرض آب‌های سرزمینی خود را تا محدوده‌ای تعیین کند که از ۱۵ مایل دریایی از خطوط مبدأ تعیین شده که طبق این کنوانسیون معین می‌شود، تجاوز نکند. حد خارجی آب‌های سرزمینی خطی خواهد بود که فاصله هر نقطه از آن، از نزدیک‌ترین نقطه خط مبدأ برابر با عرض آب‌های سرزمینی باشد. حد خارجی آب‌های سرزمینی مرز دولتی خواهد بود. تعیین حدود آب‌های داخلی و سرزمینی

بین کشورهای دارای سواحل مجاور با توافق بین آن دولت‌ها با در نظر گرفتن اصول و موازین حقوق بین‌الملل انجام خواهد شد. در ماده ۸ تعیین حدود بستر و زیر بستر دریای خزر به بخش‌ها باید از طریق توافق بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل، با در نظر گرفتن اصول و موازین عموماً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل به منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره‌برداری از منابع زیر بستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیر بستر انجام شود. در ماده ۹ هر طرف در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی را تعیین خواهد کرد. (کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، ۱۳۹۷: آکثائو) موارد اشاره‌شده بخشی از متن کنوانسیون بودند که ایران و روسیه به همراه آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در اجلاس سران کشورهای ساحلی با بیش از دو دهه گفتگو توانستند بدون دخالت قدرت‌های خارجی درباره آن تصمیم گرفته و طرف‌ها متعهد به اجرای آنچه توافق کرده‌اند می‌باشند.

نتیجه گیری

قبل از وقوع انقلاب اسلامی نظام حاکم بر ایران از متحدان اصلی آمریکا در خاورمیانه بود که سیاست خارجی بازدارندگی در رابطه با شوری را که توسط واشنگتن در دست انجام بود دنبال می کرد. هرچند روابط ایران و آمریکا به معنای عدم همکاری تجاری و اقتصادی با شوروی نبود. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۹ و پیروی سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی از سوی ایران باعث شد تا ایران در هیچ یک از بلوک شرق و غرب قرار نگیرد. لذا با شروع جنگ ایران و عراق، صدام حسین با حمایت کشورهای غربی و البته شوروی باعث شد تا کشور ۸ سال درگیر جنگ بوده و روابط بین ایران و شوروی نیز سرد باشد؛ اما با شروع دهه ۹۰ و با سقوط اتحاد جماهیر شوروی ایران و روسیه درصدد بهبود روابط و همکاری در زمینه‌های امنیت منطقه‌ای و تجاری، اقتصادی، علمی-فنی نظامی با یکدیگر همکاری نمودند. ایران در تلاش بود تا بتواند با همکاری کشورهای منطقه و حل مناقشات منطقه‌ای باعث افزایش صلح و احترام به منافع کشورهای همسایه گردد و همین امر باعث شد تا ایران و روسیه با همکاری‌های ژئوپلیتیک مانعی برای گسترش تروریسم و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان مثال، همکاری دو کشور در حل بحران تاجیکستان باشند. اوج همکاری ژئوپلیتیک دو کشور را میتون در سوریه عنوان کرد. همان‌گونه که اشاره شد ایران و روسیه مخالف نظام بین‌الملل تک قطبی بوده و از تسلط نهادهای غربی در سازمان‌های بین‌المللی مخالفت نمودند. از همین رو از آنجایی که مخالفان دولت سوریه و تروریست‌ها که از حمایت دولت‌های غربی و آمریکا برخوردار بودند، این دو کشور توانستند با همکاری یکدیگر تروریست‌ها را در این کشور شکست دهند. در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران که منجر به امضای توافق بین ایران و ۱+۵ شد، نشان می‌دهد که همکاری‌های ایران و روسیه در بحث هسته‌ای هر دو بعد منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر بگیرد؛ به گونه‌ای که روسیه با عضویت در شورای امنیت سازمان

ملل هرچند در ابتدا قطعنامه ۱۹۲۹ تحریم‌ها علیه ایران را پذیرفته بود اما با تغییر رویکرد و همراهی با ایران توانستند به همراه چین، آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا به توافق برسند. حتی با روی کار آمدن دولت ترامپ و خروج از برجام، باعث شد تا تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران اعمال کند، اما روسیه همچنان از ایران حمایت کرده و مخالفت خود را از این اقدام دولت آمریکا اعلام نمود. ایران و روسیه سعی در نهادسازی مستقل و مشترک دارند. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و سازمان شانگهای را می‌توان به عنوان نمونه نام برد. دیدگاه روسیه نسبت به همکاری ایران با این نهادها در مجموع قابل توجه و سمت‌وسوی مثبتی دارد؛ هرچند که با قاطعیت نمی‌توان گفت که روسیه، مصرانه در پیوستن ایران به این نهادها تلاشی می‌کند. بریکس (BRICS) نمونه دیگری است که پهنه جغرافیایی دیگری دارد و از مرزهای متعارف اوراسیا فرا می‌رود. هرچند ایران در مجموعه این نهادها، در سازمان شانگهای عضویت ناظر دارد، اما به نظر می‌رسد از راه افتادن و شکل گرفتن این نهادها خرسند است و آن‌ها را در تقابل تلاشی برای انحصار سازی نهادهای قدرت بین‌المللی توسط غرب می‌بیند.

منابع

جعفری علی اکبر، جانباز دیان (۱۳۹۵)، تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶.

شوروی محمود (۱۳۹۴)، ایران، روسیه و آینده مسئله سوریه، فصل‌نامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم.

صادقی سید محسن (۱۳۹۷)، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین بعد از سال ۲۰۱۲، مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۱۱، صص. ۹۳-۱۱۶.

کرمی جهانگیر و کرامتی نیارقیه، سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران: از تحریم تا برجام، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۵.

کرمی جهانگیر و ولی کوزه‌گر کالجی، الگوهای ضد هژمونیک ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۳.

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، امضا توسط روسای جمهور کشورهای ساحلی دریای خزر، آکتائو، ۲۱ مردادماه ۱۳۹۷.

یاقوتی محمد مهدی (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره یک، بهار ۱۳۹۰.

Asinovsky, Dmitry (2018), the Soviet Union and the Iranian Revolution, VOL. 16 • No. 3 • JULY – SEPTEMBER • 2018.

- Congressional Research Service (2019), Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International Obligations, <https://fas.org/sgp/crs/nuke/R40094.pdf>.
- Daniel Moore Eric, the Crisis of Cooperation: A Critical Analysis of Russian-Iranian Relations in the Post-Soviet Era, Dissertations and Theses, Portland State University.
- FIEDLER Radosław (2018), Internal Factors and its Impact on Iranian Foreign Policy, Adam Mickiewicz University in Poznań, *Przegląd Strategiczny* 2018, Issue 11. <http://studiastrategiczne.amu.edu.pl/wp-content/uploads/2018/11/ps-2018-11-15.pdf>
- Freeman, Jr Chas W, The Geopolitics of the Iran Nuclear Negotiations, https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:R02g_DFanMJ:https://www.nupi.no/en/content/download/7497/168548/version/1/file/The%2520Geopolitics%2520of%2520the%2520Iran%2520Nuclear%2520Negotiations.pdf+%&cd=25&hl=en&ct=clnk&gl=ir.
- ISLAM Thowhidul (2013), the Nuclearization of Iran and the Policy of Russia, *Asian and African Studies*, Volume 22, Number 2.
- Kozhanov Nikolay (2012), Russia's Position on Iran's Nuclear Program, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/russias-position-on-irans-nuclear-program>.
- Mousavi Shafae Seyed Masoud and Farzaneh Naghdi, *Regional Powers and World Order in the Post Cold War Era, Geopolitics Quarterly*, and Volume: 11, No 4, Winter 2016.
- O. Freedman Robert, Russian Policy toward the Middle East: The Yeltsin Legacy and the Putin Challenge, *Middle East Journal*, Vol. 55, No. 1 (winter, 2001), pp. 58-90.
- Omelicheva Mariya Y.(2012), Russia's Foreign Policy toward Iran: A Critical Geopolitics Perspective, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Vol. 14, No. 3, September 2012, pp. 331-344.

- Parker John W. (2018), *Between Russia and Iran: Room to Pursue American Interests in Syria*, Institute for National Strategic Studies Strategic Perspectives, No. 27.
- Paulraj Nansi (2016), *The JCPOA and Changing Dimensions of the Russia–Iran Relation*, *Contemporary Review of the Middle East* 3(1).
- Sajjadpour Mohammad Kazem (2017), *Iranian and Russian Approach to International System*, IRAS: <http://www.iras.ir/en/doc/note/3159/iranian-and-russian-approach-to-international-system>
- Soltani, Fakhreddin and Ekhtiari Amiri Reza (2010), *Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution*, Vol. 3, No. 2.
- Tamaki, Taku (2015), *The Levels of Analysis of The International System*, by Emilian Kavalski, ashgate, 2015.
- Therme Clément (2018), *Iran and Russia in the Middle East: Toward a Regional Alliance?* *MIDDLE EAST JOURNAL* ★ VOLUME 72, NO. 4, AUTUMN 2018.
- Waltz, Kenneth N. (1979), *Theory of International Politics*. New York, McGrawHill.(1959), *Man, the State, and War*. New York: Columbia University Press.